**باسمه تعالی**

**مسجد کانون حیات طیبه خانواده**

**فیش منبر**

# **مقدمه (ایجاد انگیزه)**

«وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُون»[[1]](#footnote-1). خانواده صمیمی‌ترین و در عین حال ریشه‌دارترین نهاد اجتماعی است. الگوسازی درباره این مجموعه کوچک انسان‌پرور دغدغه جدی تمامی اندیشمندان در طول تاریخ بوده است؛ اما الگوئی که زندگی مدرن درباره روابط خانواده و نوع زندگی خانوادگی ارائه کرده است به اندازه‌ای ناقص و ضعیف است که موضوع طلاق امری پررونق‌تر از مسئله ازدواج است.

# **طرح مسئله (اقناع اندیشه)**

## **الف) خانواده در نظام هستی**

دست قدرت و حکمت الهی تمام اجزای جهان را به صورت جفت و عاشق یکدیگر آفریده است به گونه‌ای که هر جزء از عالم هستی خواهان جفت خویش است. زوجيت به معناي دوتا بودن استوقرآن كريم به زوجيت حيوانات، ميوه ها،گياهان وبلكه تمام اشياء اشاره كرده است. «وَ مِنْ كُلِ‏ الثَّمَراتِ‏ جَعَلَ‏ فِيها زَوْجَيْنِ اثْنَيْن‏».[[2]](#footnote-2) دراين آيه و آيات مشابه ديگر زوجيت كه مقدمه رشد و نمو و توليد مثل است را از انسان و حيوانات به ميوه‌ها و گياهان گسترش داده است. بر همين اساس نظام هستي بر زوجيت و دوئيت بنا نهاده شده كه نر و ماده با دركنار هم بودن و تأثير در همديگر براي ادامه زندگي و گسترش آن به همديگر كمك مي‌كنند.

## **ب) خانواده در قرآن**

هدف از خلقت آدمي رسيدن به كمال انساني است و خانواده محمل سير دادن آدمي به سوي كمالات است و هيچ پايگاهي مانند خانواده نمي‌تواند چنين نقش تكامل‌بخش و انسان‌سازي داشته باشد. خداوند متعال در قرآن كريم مي‌فرمايند: «وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها».[[3]](#footnote-3) انسان در خانواده می‌تواند به رشد و تعالي در سایه آرامش روحي، جسمي و عاطفي برسد و اين در حالی است که بهترین بستری که می‌تواند به این رشد و بالندگی خانواده کمک کند، مسجد است؛ چرا که در این محل مقدس رشد معنوی که همان ارتباط با خداوند متعال است اتفاق می‌افتد. آنچه مايه اصلاح زندگي اين جهاني و آن جهاني است سكونت و آرامشي است كه درسايه خانواده ایمانی فراهم مي‌شود.

از والاترین کشش‌ها خواست زن و مرد است كه همان میل و کشش همسر‌گزینی و تشکیل خانواده است. این گرایش غریزی در ذات انسان نهفته است و جلوه‌ای زیبا از عشق وصال در نهاد پاک آدمی دارد. موقعیت مسجد در محله می‌تواند این رابطه را در بهترین شکل آن که همان آشنا شدن خانواده با بهترین گزینه‌های ازدواج است، در این مکان مقدس ایجاد کند. « الْخَبيثاتُ لِلْخَبيثينَ وَ الْخَبيثُونَ لِلْخَبيثاتِ وَ الطَّيِّباتُ لِلطَّيِّبينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّباتِ أُولئِكَ مُبَرَّؤُنَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَريم‏».[[4]](#footnote-4)

خانواده از طرفي کهن‌ترین و ريشه‌دارترین نهاد بشری است؛ چراكه زندگي خانوادگي همزاد آدميان است و زندگي بشر با آن معنا مي‌يابد. آدمي در خانواده چشم به هستي مي‌گشايد، در آن رشد مي‌كند و با آن به كمال مي‌رسد و از طرف ديگر خانواده نيز ماندگارترين و ابدي‌ترين نهاد بشري در دنيا و آخرت است.[[5]](#footnote-5) ميل فطري انسان به زندگي خانوادگي منحصر به اين جهان نيست و دوست دارد آن جهان نيز با خانواده خود زندگي نمايد. اگر پيوند انسان‌ها در مجموعه خانواده ايماني باشد محدود به اين جهان نخواهد شد.

یکی از بسترهایی که می‌توان در آن به تربیت ایمانی فرزندان پرداخت، مسجد است و این نقش را در ادوار تاریخی گذشته خوب بازی کرده است به گونه‌ای که مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و حکومت صدر اسلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کوفه و در دولت مهدوی نیز برای یاری‌گری امام عصر (عجل الله فی فرجه) نقش محوری خود را ایفا می‌کند.

## **ج) خانواده در روايات**

از منظر نبوي هيچ بنياني در هستي با محبوبيت خانواده نزد خداوند متعال برابري نمي‌كند و مي‌فرمايند : «مَا بُنِيَ‏ فِي‏ الْإِسْلَامِ‏ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيج‏ »[[6]](#footnote-6). پيامبر گرامي اسلام (صلی الله علیه و آله) پيروان خود را نيز به انجام اين عمل شريف ترغيب و تشويق مي‌كنند و مي‌فرمايند: «النكاح سنتي فمن رغب عن سنتي فليس مني»[[7]](#footnote-7) در روايت ديگري بيان مي‌فرمايند: «مَنْ‏ أَحَبَ‏ أَنْ‏ يَلْقَى‏ اللَّهَ‏ طَاهِراً مُطَهَّراً فَلْيَلْقَاهُ بِزَوْجَتِه‏؛ هر كس دوست دارد خداوند را پاك و پاكيزه ديدار كند، بايد ازدواج كند».

برای یک زندگی پاک یا همان حیات طیبه، لازم است به کانون محبت و بستر عوج زندگی ایمانی دقت شود و ارتقا این سطح از دانش و معنویت در سایه‌سار مسجد که کانون توحید‌مداری و عبودیت زندگی است پرداخته شود.
در روايت ديگر مي‌فرمايند: «مَنْ‏ تَرَكَ‏ التَّزْوِيجَ‏ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِه‏؛[[8]](#footnote-8) هركس از ترس فقر ازدواج نكند به خداوند بدگمان شده است زيرا خداوند مى‌فرمايد: اگر تهيدست باشند، خداوند آنان را از فضل خود، بى‌نياز مى‌كند».

در بستر توحیدی مسجد شخص مؤمن به این باور می‌رسد که تمام اسباب عالم به دست توانای خدا اداره می‌شود و اوست که زندگی را تشکیل و در نهایت تأمین می‌کند و وظیفه مؤمن توکل و تلاش است. زندگی پاک در سایه مسجد به انسان می‌آموزد که به پرردگار خویش حسن‌ظن داشته باشد. در جاي ديگر رسول اكرم (صلى الله عليه و آله) بيان مي‌دارند: «زَوِّجُوا أَيَامَاكُمْ فَإِنَ‏ اللَّهَ‏ يُحْسِنُ‏ لَهُمْ‏ فِي‏ أَخْلَاقِهِمْ‏ وَ يُوَسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ يَزِيدُهُمْ فِي مُرُوَّاتِهِم؛[[9]](#footnote-9) بى‌همسران خود را همسر دهيد كه خداوند اخلاق ايشان را نيكو مى‌كند و روزيشان را افزايش داده و بر مروّت آنها مى‌افزايد».

اگر جوانی در مسجد حضور مؤمنانه‌ای داشته باشد، اهل مسجد سعی می‌کنند تا با مشورت و یاری او اسباب ازدواجش را فراهم کنند. حتی در مواردی مشاهده شده که مؤمنان برای این جوان، کاری شایسته که بتواند خانواده‌اش را تأمین کند، فراهم کرده‌اند. این همان دست خداست که در مسجد نمود پیدا می‌کند.

حال سؤالی که پیش می آید این است که چطور اهل مسجد تلاش می‌کنند تا اسباب به زندگی جدیدی را برای مؤمنان جوان فراهم کنند؟ زیرا آنان به خوبی دریافته‌اند که این زندگی تکمیل‌کننده ایمان این جوان است.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جوانان فرمود: با ازدواج چشم و دامن خود را از گناه پاك بداريد.[[10]](#footnote-10) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هركس كه در جواني ازدواج كند صداي ناله شيطان بلند مي‏شود كه واويلا دو ثلث دينش از دستبرد من مصون مي‏ماند.[[11]](#footnote-11) «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله): مَايَمْنَعُ الْمُومِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلا لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الارْضَ بِه لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ ؛[[12]](#footnote-12) رسول خدا (صلی الله علیه و آله فرمودند): چه مانع دارد همسري انتخاب كنيد شايد خداوند فرزندي به شما عطا كند كه با گفتن لا اله الا الله زمين را سنگين كند».

از احاديث و سنت معصومين (علیهم السلام) چنين به دست مي‌آيد كه سلوك و بندگي و رشد و كمال نه تنها با تشكيل خانواده منافاتي ندارد؛ بلكه خانواده ياري‌دهنده انسان در سير و سلوك معنوي است و این خانواده اگر در مسجد و بین مؤمنان رشد کند از آفاتی که گاهی به اسم معنویت مردم را گرفتار می‌کند نجات پیدا می‌کند. در حديث ديگر مي‌فرمايند: «الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ‏ الصَّائِمِ‏ الْقَائِمِ‏ الْعَزَب‏»[[13]](#footnote-13) و بر همين اساس است كه فروپاشي نظام خانواده چنان نكوهيده است كه امام صادق علیه السلام مي فرمايند: «تَزَوَّجُوا وَ لَا تُطَلِّقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ‏ يَهْتَزُّ مِنْهُ الْعَرْش‏».[[14]](#footnote-14) خانواده يكي از ستون‌هاي عرش است كه با هر طلاق خللي در آن وارد شده و پروردگار هستي را ناراحت مي‌كند. پيامبر اعظم مي‌فرمايند: «مَا مِنْ شَيْ‏ءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ وَ مَا مِنْ شَيْ‏ءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ‏ بَيْتٍ‏ يُخْرَبُ‏ فِي‏ الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاق‏ ».[[15]](#footnote-15)

اين همه نشان از ارزش والاي ازدواج و بنيان خانواده دارد که اگر قرار باشد این ازدواج به طلاق بیانجامد مسجد می‌تواند بستری برای مشاوره و میانجی‌گری برای برگشت زندگی به روال عادی و حتی رفع نواقص رفتاری اعضا در ادامه حیات طیبه باشد؛ چراکه مؤمنان با همفکری و کمکی که به هم می‌کنند، می‌توانند بسیاری از مشکلات یک زندگی را برطرف کنند.

## **د) خانواده در عصر حاضر**

 همان‌طور كه بيان شد خانواده در نظام هستی و ادیان الهی جایگاه بلندی دارد. در آخرالزمان كه لشگر ابليس با تمام قوا وارد صحنه شده تا تمام دنيا را پر از فساد و فحشاء نمايد، اولين استراتژي ابليس متزلزل كردن بنيان خانواده است.

در روايات آخرالزمان بيشترين خطرها در خانه و خانواده مي‌باشد كه اهل بيت ما را به آن هشدار مي‌دهند. آنجا كه مي‌فرمايند: «رايت العقوق قد ظهر». گسست شديد عاطفي بين فرزند و والدين و همسران صورت مي‌گيرد و در جاي ديگر مي فرمايد: «و استخف بالوالدين»[[16]](#footnote-16) در آخرالزمان خواهي ديد كه پدران و مادران از فرزندان خود به شدت ناراضي‌اند و عاق والدين شدن فرزندان رواج مي يابد[[17]](#footnote-17) و حرمت پدران و مادران سبك شمرده مي‌شود.[[18]](#footnote-18) در جاي ديگر مي‌فرمايند: فرزند به پدرش تهمت مي‌زند، پدر و مادرش را نفرين مي‌كند و از مرگ آنها مسرور مي‌شود.[[19]](#footnote-19) در آن هنگام طلاق و جدائي در خانواده‌ها بسيار خواهد شد.[[20]](#footnote-20)

در همين زمان است كه عفت و نجابت زنان و مردان به تاراج مي‌رود. امام صادق (ع) مي‌فرمايند: «يكون هم الناس بطونهم وفروجهم فلايبالون بما اكلوا و لا بما نكحوا».[[21]](#footnote-21) اميرمؤمنان (ع) در روايتي مي‌فرمايند: زنان در آخرالزمان بي‌حجاب، برهنه و خودنما خواهند شد. آنان در فتنه‌ها داخل و به شهوت‌ها علاقمند و با سرعت به سوي ارضاي لذت‌هاي خود در حركتند.[[22]](#footnote-22)

امام صادق (ع) مي‌فرمايند: درآمد زنان از راه خودفروشي و بزهكاري تأمين مي‌گردد.[[23]](#footnote-23) مرد از همسرش انحرافات جنسي مي‌بيند و اعتراض نمي‌كند، آنچه از راه خودفروشي بدست مي‌آورد استفاده كرده و مي‌خورد. او زن و دخترش را كرايه مي‌دهد و به خوردني‌ها و نوشيدني‌هاي پست دنيا كه از اين راه عايدش مي‌شود، راضي مي‌شود.[[24]](#footnote-24)

از برنامه‌هاي اساسي دشمنان اسلام برای تخریب خانواده، می‌توان به رواج بي‌بندوباري در خانه و فاميل، ايجاد مثلث عشقي يعني ارتباط مرد خانه با زن ديگر و ارتباط زن خانه با مرد ديگر، بي‌حرمتي به بزرگ‌تر در خانه، تأخير در سن ازدواج و سخت‌گيري در ازدواج، مخالفت با پوشش و حجاب و تبليغ تساوي پوشيدگي، عادي جلوه‌دادن انتخاب دوست پسر و دختر براي جوانان و نوجوانان، رواج فمنيسم و آزادي عمل به زنان و جداكردن فرزندان از خانه و خانواده را اشاره کرد.

# **نتیجه‌گیری**

اگر خانواده بخواهد حیات طیبه خود را ادامه دهد تا به سر منزل هدایت برسد، لازم است در کنار خود بسترهایی مثل مسجد را داشته باشد تا در رشد و مقابله با آسیب‌های آخر الزمانی بتواند از خود دفاع کند.

1. . روم: ۲۱. [↑](#footnote-ref-1)
2. . رعد: 3 و به همين مضمون رحمن: 52 و طه: 53. [↑](#footnote-ref-2)
3. . روم: 21. [↑](#footnote-ref-3)
4. . النور: 26. [↑](#footnote-ref-4)
5. . خانواده و تربیت مهدوی ص 33. [↑](#footnote-ref-5)
6. . الهدایه، ص 16. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان، ص220. [↑](#footnote-ref-7)
8. . کافی، ج 5، ص 331. [↑](#footnote-ref-8)
9. . النوادر (سیدبن قطب راوندی)، ص 36. [↑](#footnote-ref-9)
10. . المستدرك، ج 2، ص 531. [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان، ص 530. [↑](#footnote-ref-11)
12. . من‏لايحضره‏الفقيه، ج 3، ص 382. [↑](#footnote-ref-12)
13. . بحار، ج 100، ص220-221. [↑](#footnote-ref-13)
14. . مکارم الاخلاق، ص 196. [↑](#footnote-ref-14)
15. . کافی، ج 5، ص 328. [↑](#footnote-ref-15)
16. . بحار، ج 52، ص 259. [↑](#footnote-ref-16)
17. . همان. [↑](#footnote-ref-17)
18. . همان. [↑](#footnote-ref-18)
19. . همان. [↑](#footnote-ref-19)
20. . الزام الناصب، ص 182. [↑](#footnote-ref-20)
21. . بحار، ج 52، ص 259. [↑](#footnote-ref-21)
22. . من لايحضره الفقيه، ج 3، ص 390. [↑](#footnote-ref-22)
23. . بحار، ج 52، ص 256. [↑](#footnote-ref-23)
24. . الزام الناصب، ص 195. [↑](#footnote-ref-24)